



مذمت حقوق

دوره ۵ - شماره ۱۰ - بهار ۱۴۰۱

شماره چاپی: ۱۸۴۱ - ۳۷۸۳
شماره الکترونیکی: ۱۹۲۲ - ۳۷۸۳

- مسئولیت مدنی کارشناس رسمی دادگستری در حقوق ایران و فرانسه با تاکید بر رویه قضایی حسن بادینی، سپیده راضی، محمد مهدی پور
- همدلی‌های سعدی شیرازی با آموزه‌های حقوق عمومی مدرن مجید نجارزاده هنجنی
- حمایت کیفری از حق بر محیط‌زیست شیما نادری، مجید مطلبی
- تبیین نقش جامعه مدنی در تحقق حقوق شهروندی فرزانه دشتی، عبدالکریم شاحیدر
- آثار افزایش سرمایه شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و آمریکا افشین مجاهد
- چالش‌های قضایی مقابله با جرایم زیست محیطی در حقوق کیفری ایران اسماعیل کشکولیان، عباس شیخ الاسلامی
- رویکرد حقوق هوایی بین‌المللی نسبت به مسئولیت ناشی از نشر ویروس کرونا در حمل و نقل هوایی یگانه سادات صفوی
- آثار قراردادهای دولتی در حقوق ایران و انگلستان محمدرضا پورپور
- میانجیگری، نظام عدالت مشارکتی، نسل سوم نظام عدالت کیفری و حقوق اطراف دعوا صادق فتیلی، سید محمد صالحی
- ارزش و اعتبار نظریه کارشناسی در حقوق ایران و فرانسه سید جعفر هاشمی باجگانی، میثم سبحانی
- رویکرد سیاستگذاری‌های زیست محیطی در کاهش مخاطرات؛ راهبردها و رهیافت‌ها زهرا طلیعه علیا، داوود خرم دل
- قواعد فقهی کارا در مسئولیت اتلاف عمر اشخاص حمید سلیمانی، رحیمه عباسی بناری
- نقش نهادهای سازمان ملل متحد در پیشگیری از آلودگی‌های محیط زیستی ناشی از پسماندها به منزله امنیت زیست جهانی رستم علی اکبری، سید مهدی موسوی
- مبانی تصحیح قراردادهای غیرمعمود با تمسک به اطلاقات و عمومات شرعی سید علیرضا امین
- فناوری‌های نوین باروری-زیستی و حقوق کودک؛ درآمدی بر آینده کودکی در ایران مریم شعبان
- آسیب شناسی کیفرگذاری موجود در جرایم خانوادگی موضوع کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵؛ از تبیین آسیب‌ها تا ارائه راهکارها مهدی مقفری اناری، محمد امینی زاده، علی عارفی مسکونی
- مجرای اصل صحت در معاملات با تاکید بر امکان جریان آن در شبهات حکمیة مانده چینی ساز، امید محمدی، قاسم شعبانی
- پیرامون نظریه بطلان تحقیقات مقدماتی در فرآیند دادرسی کیفری ایران (با توجه به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴) مسعود فدائی دهچشمه، امیر سلیمانی، حمیرا طاهری
- تأملی بر قانون حاکم بر تعهدات قراردادی عقد بیمه در ایران و ایالات متحده آمریکا فرزاد گرمی کلمتی، حامد بابانی
- بررسی تأسیس بیلمنت در نظام حقوقی انگلستان، ایالات متحده آمریکا و تطبیق آن با نهاد امانت در حقوق ایران نسترن ارزانیان، مهساسادات نبوی
- معیار تفکیک جرم آدم‌ربایی از جرایم مشابه در نظام کیفری ایران احمدرضا امتحانی، جواد نادری عوج بغزی، علی پاپدارفرد
- درآمدی بر اصول و موانع استرداد مجرمین در حقوق بین الملل رضا علی پناه
- آثار کرونا بر عدالت کیفری اطفال و نوجوانان با نگاهی به حقوق ایالات متحده آمریکا پیمان دولتخواه پاشاکی
- جلوه‌های تغییر در سیاست کیفری افتراقی جرائم نیروهای مسلح ایران و ایالات متحده آمریکا با روش کیفرزدانی و جرم زدایی یاسر شاکری، علیرضا صالحی، غلامحسین رضایی



The Role of Civic Society in Citizenship Rights' Establishment

تبیین نقش جامعه مدنی در تحقق حقوق شهروندی

Farzaneh Dashti

Visiting Professor, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Payame Noor University, Abadan, Iran
(Corresponding Author)

فرزانه دشتی

استاد مدعو گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، آبادان، ایران
(نویسنده مسئول)

Farzanehdashti30@yahoo.com
<http://orcid.org/0000-0002-6895-7015>

Abdolkarim SHAheydar

Assistant Professor of Law, Faculty of Humanities, Payame Noor University, Tehran, Iran

عبدالکریم شاحیدر

استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
ashaheydar@yahoo.com

Abstract

Citizenship, and citizenship rights are new concepts that have paid special attention to equality, and justice, and have special role in different political, social, and legal theories. These rights are based on three principles of civil, political, and social rights, and are considered as main human rights' pillars. Citizenship rights are achieved in democratic states with three factor of membership, rights, and cooperation. A close, and mixed relation between a civic society, and citizenship is seen while studying the citizenship rights. It seems that the civic society is the precondition, and an enforcement factor for exercising of citizenship rights. In other words, if citizens play a better role in their citizenship in relation to power and politics through active and effective participation through civic institutions, they can be very effective in reforming and improving political affairs and strengthening the democratic foundations of the political system. This papers in a descriptive-analytical manner seeks to study the role, and position of the civic society in the citizenship rights beside of studying its concepts, and bases.

Keywords: Citizen, Citizenship Rights, Cooperation, Civic Society, Democracy.

چکیده

شهروندی و حقوق شهروندی از جمله مفاهیم نوظهوری است که توجه ویژه‌ای به برابری و عدالت دارند و در نظریات مختلف سیاسی، اجتماعی و حقوقی از جایگاه خاصی برخوردارند. حقوق شهروندی بر سه اصل حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی بنیان نهاده شده و از ارکان اصلی حقوق بشر به شمار می‌آید. حقوق شهروندی حول سه مؤلفه عضویت، حق‌ها و مشارکت و در چهارچوب حکومت‌های دموکراتیک به دست می‌آید. همواره در بررسی و مطالعه حقوق شهروندی، ارتباط تنگاتنگ و آمیختگی ویژه‌ای بین جامعه مدنی و شهروندی به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد که جامعه مدنی پیش شرط و ضامن اجرایی استیفای حقوق شهروندی است. ضمناً اگر شهروندان نقش شهروندی خود را در ارتباط با قدرت و سیاست با مشارکت فعال و مؤثر از طریق نهادهای مدنی بهتر بازی کنند، می‌توانند در اصلاح و بهبود امور سیاسی و تقویت پایه‌های دموکراتیک نظام سیاسی بسیار مؤثر باشند. در این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی صورت پذیرفته، ما برآنیم تا ضمن بررسی مبانی و مفاهیم حقوق شهروندی، به بررسی نقش و جایگاه جامعه مدنی در تحقق حقوق شهروندی پردازیم.

واژگان کلیدی: شهروندی، حقوق شهروندی، مشارکت، جامعه مدنی، دموکراسی.

Received: 2022/01/21 - Review: 2022/05/05 - Accepted: 2022/06/15

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۱/۲۱ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۰۵ - پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۱۵

ارجاع:

دشتی، فرزانه؛ شاحیدر، عبدالکریم؛ (۱۴۰۱)، تبیین نقش جامعه مدنی در تحقق حقوق شهروندی، تمدن حقوقی، شماره ۱۰.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

مفهوم شهروند و شهروندی از مفاهیمی است که از دیرباز تاکنون مطرح بوده و سیر تکامل خود را در ادوار و جوامع مختلف، طی نموده است. این مفهوم که حاصل مدنیت و پیشرفت جوامع بوده است از رهیافت‌های گوناگون توسط مکاتب مختلف اجتماعی، فلسفی، سیاسی و حقوقی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است (شربتیان و احمدی، ۱۳۹۳، ۵۲). نخستین گام بزرگ در راه پیدایش ملت در اروپا تحول از همبستگی خونی به همبستگی فراطیفه‌ای در اجتماعات شهری قرون وسطایی بود. از اینجا بود که شهروندی و حقوق و وظایف آن پدید آمد و هسته اصلی جامعه مدنی و ملت در معنای تازه آن شد. حضور اصناف خودران و نوع مردسالاری در شهرهای قرون وسطایی اروپا به این تطور مدد رساند و با تشکیل دولت ملی بود که ملت به معنای امروزی آن یعنی معنای اجتماعی شهروندان با حقوق معین و حق حاکمیت مردم در اروپا وارد صحنه تاریخ شد (جابری مقدم، ۱۳۸۶، ۲۲۵ به نقل از: حکیمی و رضایی پور، ۱۳۹۴). مفهوم شهروندی به‌عنوان منزلتی اجتماعی در نگرش به جامعه مدنی تلقی می‌شود که به موجب آن شرایط برخورداری فرد را از حقوق و قدرت فراهم می‌کند (حکیمی و رضایی پور، ۱۳۹۴). براساس موقعیت شهروندی، انسان در هر جامعه‌ای که زندگی می‌کند به‌عنوان شهروند آن جامعه دارای حقوقی است که رعایت آن توسط هم‌نوعان و سیستم حکومتی حاکم بر آن جامعه، امری الزامی و انکارناپذیر است (روشن و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۱۲). این حقوق با مجموعه‌ای از تعهدات در قبال دولت و جامعه متوازن می‌شود (حکیمی و رضایی پور، ۱۳۹۴).

حقوق شهروندی در کشورهای اروپایی و امریکایی زیرمجموعه علوم سیاسی قرار می‌گیرد و بیشتر ناظر به حقوق مشارکت شهروندان در اداره امور کشور است و ابعاد متفاوت آن را دربرمی‌گیرد و از این‌رو به حقوق سیاسی و حقوق عمومی (به معنای اخص) نزدیک می‌شود (هاشمی و همکاران، ۱۳۸۸، ۶۱). به دیگر سخن، حقوق شهروندی حقوقی است که شهروندان به لحاظ تعلق سیاسی تابعیت و ملیت از آن برخوردار می‌شوند و در قلمرو دولت‌ها قابل بحث است (روشن و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۳۵ و ۱۳۴).

حقوق شهروندی همچون حقوق بشر متضمن دو مفهوم حق و انسان است. این مفاهیم در دوره‌های متفاوت تاریخی به اشکال مختلف وجود داشته‌اند؛ اما معنا و نسبت آن‌ها با یکدیگر متفاوت بوده است؛ به‌ویژه آن که این واژگان در دوره مدرن و پسامدرن هر یک تعبیری نوین یافتند؛ زیرا حق‌ها تبدیل به زبان مشترک جهانی شده و انسان نیز در ابعاد آفاقی و انفسی؛ موجودی صاحب کرامت و دارای ارزش ذاتی و به تبع آن واجد برابری شناخته شده است. به واسطه همین کرامت، انسان از حقوق و آزادی‌های بنیادینی تحت عنوان حقوق بشر بهره‌مند می‌شوند و در عین حال به لحاظ حفظ ارتباط با دولت - کشور و با صفت شهروند در امر اداره جامعه محق، مسئول و ذی‌نفع تلقی می‌شود (بیات کمیتکی و همکاران، ۱۳۹۷).

مقوله شهروندی پیوند ذاتی با سیاست دموکراتیک دارد و از شاخص‌های بنیادین ادغام اجتماعی در جوامع چندفرهنگی به شمار می‌رود (قادرزاده و شبان، ۱۳۹۷، ۲۰۱). شهروندی ماهیت چند بعدی دارد و از جهت اهمیتی که برای هویت ملی، همبستگی اجتماعی، ادغام اجتماعی و دموکراسی دارد، از نهادهای اصلی جوامع معاصر به شمار می‌آید (کاستلز و دیویدسون، ۱۳۸۳). اهمیت دیگر شهروندی به دلیل موقعیتی است که رابطه میان فرد و جامعه سیاسی را برقرار می‌کند و چهارچوبی برای تعامل افراد درون جامعه مدنی فراهم می‌کند (فالکس، ۱۳۹۰، ۱۴۰). لذا آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی و مشارکت فعال شهروندان در امور جامعه از مباحث چالش‌انگیز در جامعه است، چراکه داشتن یک جامعه سیاسی سالم و دستیابی به توسعه سیاسی در گرو داشتن شهروندانی فعال در عرصه اجتماع است که با حضور چشمگیر خویش در عرصه‌های گوناگون جامعه در مسیر تحکیم یک نظام مبتنی بر دموکراسی گام بردارند (رستگار خالد و عظیمی، ۱۳۹۱، ۹۳).

تحقق حقوق شهروندی و دستیابی به شهروندی فعال مستلزم کیفیتی در جامعه است که بر مبنای آن شهروندان به نگرشی مسئولانه، بازانديشانه، خلاقانه، داوطلبانه، پیشروانه و مشارکت‌جویانه نسبت به مسائل پیرامونی خویش دست یافته‌اند. لذا جامعه مدنی پیش‌درآمد و بستر تحقق حقوق شهروندی است. به واقع

شهروندی مفهومی است که با مسئولیت و مسئولیت‌پذیری آحاد جامعه همراه است. در جامعه مدنی، شهروندی دریافته است که بی‌مسئولیتی انسان‌های پیرامونی، او را در مسیر پر نوسانی قرار می‌دهد و چنانچه خود نیز نسبت به پدیده‌های پیرامونی بی‌مسئولیت باشد، محیط زندگی خود و دیگران را دچار آسیب می‌کند. زیباترین احساس خوشایند در مقوله شهروندی، تلاش برای همکاری، تعاون و بار مسئولیت خود و دیگران را به دوش کشیدن است (هزارجریبی، ۱۳۹۰، ۱۶).

در این نوشتار که با رویکردی توصیفی - تحلیلی و گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است، به دنبال پاسخ‌گویی به این سوال اصلی هستیم؛ «نقش جامعه مدنی در حقوق شهروندی و در دستیابی به شهروندی فعال در چیست؟» فرضیه پژوهش حاضر این است که پاسخ این سوال را باید در عناصر سازنده جامعه مدنی یعنی مشارکت و ایده شهروندی جست‌وجو نمود. در واقع بدون وجود جامعه مدنی در درون حکومت دموکراتیک نمی‌توان صحبت از حقوق شهروندی کرد. در قرن بیست و یکم تحقق شهروندی فعال در سایه حقوق شهروندی به‌عنوان پیش‌فرض ضروری برای توسعه و پیشرفت جامعه فقط از مجرای حکومت دموکراتیک و با تأکید بر جامعه مدنی امکان‌پذیر است و بدین‌سان می‌توان زندگی عادلانه‌تر و مناسب‌تری را برای شهروندان فراهم آورد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

امروزه موضوع شهروندی، حقوق و تعهدات و تکالیف مربوط به آن از جمله مباحثی است که مورد توجه بسیاری از حقوق‌دانان و پژوهشگران علوم انسانی قرار گرفته است؛ به‌علاوه تحولات سیاسی و اجتماعی قرن اخیر لزوم توجه و ضرورت اهمیت پرداختن به این موضوع را دوچندان نموده است. بررسی زوایای مختلف شهروندی، تعاملات و ارتباط آن با جامعه مدنی در درون نظام‌های سیاسی دموکراتیک و مردم‌سالار، سبب آشنایی و آگاهی شهروندان جامعه و درک کارگزاران حکومتی نسبت به جایگاه مهم این مقوله شده و لذا موجب می‌شود تا نسبت به رعایت آن بیش از پیش همت گمارند. در دنیای کنونی بدون مشارکت فعال شهروندان و توجه به نقش تأثیرگذار آن‌ها در پیشبرد جامعه به سوی زندگی سعادت‌مند و مطلوب، دستیابی به این مهم امکان‌پذیر نیست. در واقع آگاهی از حقوق شهروندی موجب می‌شود که مشارکت شهروندان از مراتب استمرار، پایداری و مسئولیت‌پذیری بیشتری برخوردار گردیده و از آنجا که ارتقاء حقوق شهروندی در گرو توسعه جامعه مدنی قانونمند است، لزوم پرداختن به این موضوع را بیش از گذشته ایجاب می‌نماید. در همین راستا پژوهش حاضر درصدد است که به بررسی مفاهیم و تعاریف حقوق شهروندی، ارتباط و نسبت حقوق شهروندی با تأکید بر جامعه مدنی بپردازد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی صورت پذیرفته است. همچنین روش گردآوری مطالب و تجربه و تحلیل آن‌ها کتابخانه‌ای و اسنادی است و بنابراین سعی گردیده با استفاده از اصول منطقی و علمی به تبیین و توصیف دقیق مفاهیم مورد نظر پژوهش پرداخته شود.

پیشینه تحقیق

براساس مطالعات و بررسی‌های انجام شده کار پژوهشی در رابطه با نقش جامعه مدنی و حقوق شهروندی کار نشده است. نکته قابل تأمل این است که در خصوص حقوق شهروندی مقالات و کتب زیادی به نگارش در آمده که عمدتاً ناظر بر اصول و رویکردهای کلی حقوق شهروندی است، اما در خصوص رابطه حقوق شهروندی و جامعه مدنی آثار زیادی به چشم نمی‌خورد و یا در بهترین حالت برخی نویسندگان در آثار خود آن را به اختصار توضیح داده‌اند. در میان مقالات و کتب نگارش‌یافته که با موضوع پژوهش مرتبط است می‌توان به مقالات زیر اشاره کرد:

در مقاله‌ای با عنوان «جامعه مدرن، شهروندی و مشارکت عمومی» که سید محمود نجاتی حسینی در سال ۱۳۸۰ آن را به نگارش درآورده است، بررسی و رابطه «جامعه مدرن» (جامعه مدنی، جامعه سیاسی و جامعه شهری)، «شهروندی» (حقوق، وظایف، تکالیف و مسئولیت‌ها) و «مشارکت» (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی) مورد بررسی قرار گرفته است. در این مقاله اشاره شده است که صورت‌بندی کلاسیک این بحث به اندیشه فلسفی سیاسی یونان باستان و اندیشه سیاسی اجتماعی مدرن، برمی‌گردد، اما صورت‌بندی نظام‌یافته و گسترش‌یافته‌تر آن را باید در حوزه «اندیشه سیاسی اجتماعی معاصر» را جست‌وجو نمود.

سید محمد هاشمی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «حقوق شهروندی و توسعه شهری مشارکتی» که در سال ۱۳۸۸ به نگارش درآمده است به این موضوع پرداخته‌اند که شکل‌گیری و نهادینه‌شدن توسعه پایدار در وهله اول مستلزم توجه جدی به حقوق شهروندی است. در ادامه اشاره داشته‌اند که حقوق شهروندی دارای چهار حوزه اساسی مدنی، سیاسی، اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی است که مشارکت، رکن رکین همه حوزه‌های مذکور است. آن‌ها در ادامه اشاره داشته‌اند که ریشه توسعه نیافتگی شهری و محلی، ساختاری است و در راستای توسعه بایستی علت اساسی را در عدم مشارکت شهروندان در اداره

امور جامعه جست‌وجو نمود. حق تعیین سرنوشت، عنصر بنیادین شهروندی است که از طریق مشارکت در امور جمعی تحقق پیدا خواهد کرد؛ بنابراین لازم است مکانیسم‌های مشارکت مطلوب شهروندی برای نیل به توسعه شهری ارائه گردد.

مقاله‌ای با عنوان «نقد مبانی حقوق شهروندی لیبرالی با تکیه بر جایگاه مردم در نظام حقوق اسلام» که توسط فرید محسنی و حسین عبداللهی در سال ۱۳۹۲ نوشته شده است، به این موضوع پرداخته شده که رابطه مردم و دولت و ماهیت حقوق شهروندی صرفاً رابطه‌ای دوسویه نمی‌باشد، بلکه خود یکی از اضلاع مثلثی است که در راس آن خداوند قرار دارد. بر این اساس، در کنار مطرح شدن حقوق، وظایف و تکالیف فردی و جمعی انسان مسئول به نوعی در هم تنیده و بر رابطه‌اش با دولت، تأثیرگذار است؛ بدین ترتیب این نکته، نه تنها در زمان شکل‌گیری حکومت که پس از آن هم به‌طور مستمر وجود داشته است و تکالیف دینی آنان در قبال خداوند، آثار اجتماعی به دنبال دارد و تنظیم‌کننده رابطه اجتماعی آنان در قبال یکدیگر و حکومت است. بر این مبنا، حقوق اساسی و همچنین حقوق شهروندی شکل می‌گیرد. در این مقاله اذعان شده است که با توجه به اشکالات جدی وارد بر مدل دولت - ملت، این الگو نمی‌تواند معیار مناسبی برای ترسیم حقوق بشر باشد، همچنین مبانی آن با اصول نظام حقوقی اسلامی نیز مغایرت جدی دارد و نمی‌تواند الگوی تدوین حقوق شهروندی برای ما قرار گیرد.

مقاله‌ای تحت عنوان «ابهامات و موانع قانونی حقوق شهروندی» توسط اکبر شهریاری در سال ۱۳۹۶ به رشته تحریر درآمده است که در این مقاله به ابهامات و موانع قانونی حقوق شهروندی پرداخته شده است. در این مقاله اشاره شده است که نهادینه کردن حقوق شهروندی در جامعه، نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی، ایجاد نظام کنترلی دقیق و اصلاح مسیر رسیدگی به پرونده‌ها و دادرسی‌ها و موانع احقاق حقوق شهروندی را رفع می‌کند و آنچه در ایران حقوق شهروندی را با مشکلات متعدد روبه‌رو کرده است، بی‌اعتنایی دستگاه‌های مختلف به حقوق شهروندی و نقض آن است.

۱- چهارچوب مفهومی

۱-۱- شهروندی

شهروندی از جمله مفاهیم نوپدید است که به‌طور ویژه‌ای به برابری و عدالت توجه دارد. مقوله «شهروندی» وقتی تحقق می‌یابد که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و همچنین به فرصت‌های مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند

(هاشمی و همکاران، ۱۳۸۸، ۵۹). به عبارت بهتر، شهروند فردی است که در رابطه با یک دولت که از سویی برخوردار از حقوق سیاسی و مدنی است و از سوی دیگر، در برابر دولت تکلیف‌هایی به عهده دارد. این رابطه را شهروندی گویند (آشوری، ۱۳۸۱، ۲۲۱).

شهروند و شهروندی پویاترین مفهوم اجتماعی دنیای مدرن تلقی شده است (عاملی، ۱۳۸۰، ۱۶۸). ارتباط بسیار وسیعی با مفاهیمی چون جامعه مدنی، دموکراسی و حاکمیت خوب دارد (اذانی و همکاران، ۱۳۹۰، ۸۲). در واقع شهروند مفهوم جدیدی است که براساس زندگی شهری در جوامع مدنی شکل گرفته است. شهروندی عبارت است از عضویت در جامعه ملی که منجر به به وجود آمدن مجموعه‌ای از حقوق برابر مبتنی بر عدالت در یک جامعه می‌شود (Cohen & Kennedy, 2000, 82). مفهوم شهروندی به‌عنوان فردی که تعهداتش را می‌پذیرد و ضمن حفظ حقوق اساسی، خودآگاه‌بودن را لازمه مشارکت خود می‌داند، راهی است که امروزه بسیاری از تشکل‌ها، مشروعیت خود را از طریق آن ممکن می‌دانند (نیازی و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۸).

اصطلاح شهروندی برای اولین بار در اعلامیه حقوق بشر مطرح گردید و شاید انگیزه اصلی تعریف این واژه در ادوار باستان به نوعی رجحان شهروندان قلمرو دولت یا فئودال بر بیگانگانی بوده است که در قلمرو آن دولت یا فئودال سکونت داشته‌اند. شهروند عضو یک اجتماع سیاسی است که از مزایا و نیز مسئولیت‌های وابسته به این عضویت برخوردار است. به عبارت دیگر شهروندی برخوردار از برخی حقوق به ازای قبول پاره‌ای از تکالیف است (دورماگن و موشار، ۱۳۸۹، ۱۲۰).

ژان ژاک روسو مفهوم دقیق شهروندی را به شیوه‌ای ایده‌آلیسی در ترجیح خیر و صلاح عمومی بر منابع خصوصی تعریف می‌کرد. شهروند واقعی کسی است که بتواند مصلحت عموم را اراده کند، یعنی دارای «اراده عمومی» و «فضیلت مدنی» باشد (بشیریه، ۱۳۸۲، ۲۶۶). کراجنیک شهروندی را مقوله‌ای می‌داند که باید آموخته شود و این امر زمانی اتفاق می‌افتد که فرصت‌های مناسب برای آن وجود داشته باشد (فتحی و اجارگاه و عارفی، ۱۳۸۷، ۱۸۸). شهروندی توانایی افراد را برای قضاوت درباره زندگی‌شان تصدیق می‌کند؛ بنابراین ویژگی اساسی شهروندی وجود اخلاق مشارکت است. شهروندی یک موقعیت فعال است که علاوه بر حقوق، بر وظایف و تعهدات نیز دلالت دارد؛ بنابراین شهروندی یک مبنای عالی برای اداره امور انسانی به شمار می‌رود. شهروندی به مدد مجموعه حقوق، وظایف و تعهداتش راهی را برای توزیع و اداره عادلانه منابع از طریق تقسیم منافع، مسئولیت‌های زندگی اجتماعی ارائه می‌دهد

غفاری نسب، ۱۳۹۱، ۱۳۹). ژانوسکی نیز، شهروندی را عضویت فعال افراد در قلمرو دولت - ملت دانسته که به موجب آن شهروندان از حقوق و تعهدات برابر برخوردارند (شینی و داودوندی، ۱۳۸۹، ۳۸). در واقع شهروندی را می‌توان رابطه‌ای بین فرد و دولت دانست که در آن طرف‌های مزبور به وسیله حقوق و تکالیف متقابل به هم وابسته می‌گردند. شهروندان از این بابت که به دلیل برخورداری از حقوق بنیادین عضویت تمام عیاری در اجتماع سیاسی یا دولت خود دارند متمایز از بیگانگان‌اند (فلاح‌زاده، ۱۳۸۶، ۵۳). به دیگر سخن شهروند به افرادی اطلاق می‌شود که تابعیت کشوری را دارا می‌باشند و به تبع این وابستگی از حقوق و مزایایی برخوردار می‌شوند که در قانون اساسی و سایر قوانین عادی در آن کشور به تصویب رسیده است. در واقع می‌توان گفت که شهروندی یکی از فرایندهای جامعه مدرن بوده و به‌عنوان منزلتی اجتماعی در نگرش به جامعه مدنی تلقی می‌شود که به موجب آن امکان برخورداری از حقوق و قدرت را فراهم می‌کند (محسنی، ۱۳۸۹، ۱۱۸).

شهروندی، عضویت کامل یک فرد در جامعه، با تمام حقوق و مسئولیت‌ها است. شهروندی دارای ماهیت دوگانه اجتماعی و سیاسی است. ماهیت اجتماعی به این نکته اشاره دارد که شهروندان چگونه باید با یکدیگر تعامل کنند، درحالی که جنبه سیاسی آن به تعامل شهروندان با دولت اشاره دارد (موسوی، ۱۳۹۱، ۱۱۳). دیوید هلد نیز شهروندی را چنین تعریف می‌کند: «شهروندی عبارت است از وضعیتی که به افراد به‌طور برابر حقوق و تکالیف، آزادی، محدودیت، قدرت و مسئولیت در درون جامعه سیاسی ارزانی می‌دارد» (فلاح‌زاده، ۱۳۸۶، ۵۵). براساس این دیدگاه، شهروند کسی است که شایستگی مشارکت در زندگی جامعه سیاسی را دارا است. وضعیت شهروندی در جهان جدید به نوعی نشانه آمیزه‌ای از شایستگی‌ها و حقوق برای مشارکت و دسته‌ای از الزامات و تکالیف است. به بیان دیگر، می‌توان گفت که شهروندی موقعیتی است که شامل مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و تعهدات است و برابری، عدالت و استقلال دلالت دارد. شهروندی، نه یک موقعیت منفعلانه، بلکه یک موقعیت فعالانه است و با سلطه ناسازگار است. همچنین ایده‌ای است قوی که شرافت فرد را به رسمیت می‌شناسد، اما در همان حال بستر اجتماعی را که فرد در آن عمل می‌کند، تأیید می‌کند. فرد از رهگذر اعمال حقوق و تعهدات، شرایط ضروری شهروندی را بازتولید می‌کند (فلاح‌زاده، ۱۳۸۶، ۵۵).

شهروندی به‌مثابه فرایند اجتماعی و سیاسی قرن نوزدهم در جوامع سنتی مدرنی به صورت تعامل جدی بین دولت و ملت مطرح و به‌طور هم‌زمان با مسئله عضویت در دولت - ملت‌ها از مباحث مهم

اجتماعی و سیاسی شده است (عاملی، ۱۳۸۰، ۱۶۸). به عبارتی دیگر شهروندی به عنوان رویکردی است که به انواع حقوق انسانی در جامعه اشاره می‌کند و تعامل بین فرد و جامعه را جهت می‌دهد و به یک فرد حق مشارکت در قدرت سیاسی و برخورداری از حقوق مدنی و اجتماعی را می‌دهد (نیازی و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۸). در این میان، شهروندی با رکن «تابعیت» پیوند دارد. زیرا، شهروند تبعه یک کشور محسوب می‌شود، درحالی که حقوق و وظایفی نیز بر عهده دارد. به عبارت دیگر، شهروندی وضعیت یک تبعه دارای حقوق و تکالیف را گویند که ایده بنیادی آن نیز حق تعیین سرنوشت و فعال نمودن شهروندان است که این هدف از رهگذر مشارکت تحقق می‌یابد (فلاح‌زاده، ۱۳۸۶، ۵۶). به‌طور کلی شهروندی یک نوع قرارداد متقابل اجتماعی و یک سلسله حقوق متقابل «دولت بر مردم» و «مردم بر دولت» و همچنین یک احساس مشترک عمومی نسبت به هویت ملی و اجتماعی در یک محدوده مشخص است (عاملی، ۱۳۸۰، ۱۶۸)؛ بنابراین جوهره دولت - ملت نهاد شهروندی است که خود به معنای ادغام همه ساکنان یک قلمرو در قالب اجتماع سیاسی و برابری سیاسی آنان به‌عنوان شهروندی است (کاستلز و دیویدسون، ۱۳۸۳، ۴۹).

۲-۱- حقوق شهروندی

حقوق شهروندی یک مفهوم نسبتاً وسیعی است که شامل حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و فردی است که چگونگی روابط مردم، دولت و مؤسسات شهری، حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر را تنظیم می‌نماید (فرازی، ۱۳۹۳، ۲۳). چگونگی رابطه شهروندی (حقوق فرد و تکالیف او در برابر دولت) را قانون اساسی و قوانین مدنی کشور معین می‌کند (آشوری، ۱۳۸۱، ۲۲۱). به دیگر سخن، حقوق شهروندی آمیخته‌ای است از وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تأمین آن حقوق بر عهده مدیران شهری (شهرداری)، دولت یا به‌طور کلی قوای حاکم است. به مجموعه این حقوق و مسئولیت‌ها، «حقوق شهروندی» اطلاق می‌شود (هاشمی و همکاران، ۱۳۸۸، ۵۹).

شان شهروندی و حقوق و تکالیف مربوط بدان از مفاهیم اساسی زندگی دموکراتیک به شمار می‌رود. شهروندان از حیث حقوق و تکالیف با هم برابرند. مفهوم شهروندی در انقلاب فرانسه به نهایت شکوفایی خود رسید و در اعلامیه حقوق انسان و شهروند سال ۱۷۸۹ بروز کامل یافت (بشیریه، ۱۳۸۲، ۲۶۶). باید اذعان نمود که مفهوم شهروندی به‌مثابه منزلت اجتماعی، در تعهد به جامعه مدنی مدنظر قرار می‌گیرد و به موجب آن، شرایط برخورداری فرد از حقوق و قدرت فراهم می‌شود. این حقوق برای نخستین بار در سال

۱۹۴۹ به وسیله «مارشال» طی رساله‌ای با عنوان «شهروندی و طبقه اجتماعی» تبیین شده است (پورعزت و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۱).

در اغلب اوقات مفهوم حقوق بشر با مفهوم حقوق شهروندی مترادف یکدیگر به کار می‌روند. ولی باید این دو مفهوم را از یکدیگر تفکیک نمود. چراکه در بین این دو مرزهای ظریفی وجود دارند. حقوق شهروندی آن بخش از حقوق انسان‌ها را شامل می‌شود که در قانون اساسی کشورهای شان شکل ملی به خود می‌گیرد و فقط شامل شهروندان خود آن کشور خاص می‌شود. شهروند وابستگی به جامعه‌ای دارد که متعلق به آن است. در این رابطه شهروندان یک کشور از قوانین خود آن کشور تأثیر پذیرفته و در مسئولیت‌ها و تکالیفی که دولت آن کشور با قوانینی که تصویب نموده، مشارکت می‌نمایند. شرکت در اجتماعات شهری، فعالیت‌های مختلف در نهادها و سازمان‌های محلی و حق رای از جمله حقوق شهروندی محسوب می‌شود (ساجدی، ۱۳۹۵، ۴۸ و ۴۷). لذا می‌توان گفت حقوق شهروندی مبنای عالی برای اداره امور انسان به شمار می‌رود و زندگی آن‌ها که از پیش به وسیله نژاد، مذهب، طبقه، جنسیت یا صرفاً یکی از هویت شان تعیین می‌شد به وسیله شهروندی تعیین می‌شود، چراکه شهروندی بیش از هر هویت دیگری قادر است انگیزه سیاسی اساسی انسان‌ها را که هگل آن را «نیاز به رسمیت شناخته شدن» می‌نامد، ارضا نماید (هزارجریبی و امانیان، ۱۳۹۰، ۲)؛ بنابراین حقوق شهروندی مجموعه‌ای از حقوق با هر درجه از اهمیت است که در قلمرو حکومتی برای اتباع آن قلمرو شناخته شده است (صادق‌منش، ۱۳۸۷، ۲۱۸). در تعریف جوهری شهروندی، عضویت شهروند در محدوده حاکمیت دولت ملی با تأکید بر حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی هر شهروند همراه است. لذا چنین حقوقی را مجموعه حقوق شهروندی گویند (پیران، ۱۳۸۵، ۴۷).

مارشال، در خصوص حقوق شهروندی به سه نوع حقوق شهروندی اشاره می‌کند که طی سه قرن این حقوق شکل گرفته است: «اول- حقوق مدنی: نخستین حقی است که امکان تملک دارایی‌ها، التزام به قراردادهای آزادی‌های حزبی و آزادی فکر و اندیشه را فراهم می‌کند. ایجاد توقعات برابر و قضاوت بی‌طرفانه در نظام حقوقی نسبت به همه شهروندان از جمله حقوق شهروندی مدنی است. از نظر مارشال در جایی که حقوق مدنی وجود ندارد، امکان آزادی فردی و سرمایه‌گذاری اقتصادی نیز وجود ندارد. دوم- حقوق سیاسی: حقوقی که امکان مشارکت مردم را در تصمیمات عمومی کشور با تشکیل احزاب سیاسی و برگزاری انتخابات فراهم می‌کند که هر یک از شهروندان امکان دسترسی مستقیم به موقعیت‌های سیاسی

در مقام رهبری احزاب دولت و یا سایر حلقه‌های قدرت را به دست آورند. سوم - حقوق اجتماعی: حقوقی است که امکانات رفاهی حمایتی از فرد و خانواده‌های آسیب‌پذیر را به منظور ایجاد تعادل در زندگی رفاهی آن‌ها فراهم می‌آورد. به‌طور معمول حقوق اجتماعی شامل کمک‌های مالی و رفاهی به افراد کهنسال، معلول و افراد و خانواده‌های بیکار می‌شود. حقوق اجتماعی همچنین شامل فراهم آوردن شرایط مساوی بهره‌مندی از امکانات آموزشی، مسکن و سلامتی برای همه اعضای جامعه است، بر این اساس امید خواهد بود که همگان از حداقل امنیت و امکان برابر فردی در روند رشد اقتصادی بهره‌مند شوند» (بخارایی و همکاران، ۱۳۹۴، ۹۶). از نظر ژانوسکی نیز، حقوق شهروندی حقوقی هستند که گروه‌های مختلف از آن‌ها حمایت می‌کنند و توسط دولت تثبیت و تأیید می‌شوند و دارای ضمانت‌اجرایی‌اند. وی به‌طور کلی چهار نوع حقوق قانونی، سیاسی، اجتماعی و حقوق مشارکت را از هم متمایز می‌کند (Janoski, 1998, 28).

۳-۱- جامعه مدنی

از نظر جان لاک در وضع طبیعی جامعه مدنی وجود ندارد، بلکه ابتدا با تشکیل جامعه سیاسی یا دولت است که جامعه مدنی اعلام وجود می‌کند. درحالی‌که روابط بین انسانی در وضع طبیعی، یعنی در وضع پیش از تشکیل دولت، به حوزه اجتماعی بسیار نزدیک یعنی خانواده محدود می‌شود، اجتماعی‌شدن سیاسی در چهارچوب جامعه مدنی باعث تکثرگرایی رفتار و اعمال اجتماعی و تقویت فزاینده نیروی همکاری جمعی در جامعه می‌شود. در این وضعیت، توان همکاری افراد به مشترکات واقعی انسان‌ها مانند تولد، مرگ و یا احساسات او مانند عشق، همدردی، دلسوزی و عاطفه بستگی ندارد. برعکس، جامعه مدنی تمایل دارد که خودش را از همه نیروهای جبری طبیعت و شرایط محیط بسته اجتماعی رها کند و یک محیط کمی جدیدی برای بروز کنش‌های اجتماعی فراهم نماید. برخلاف جامعه‌های پدرسالارانه و مبتنی‌بر زور و سلسله‌مراتبی، جامعه مدنی مبتنی‌بر تساهل، عدم خشونت و حقوق شهروندی است و مجموعه‌ای از حوزه‌های اجتماعی را بر روی ما می‌گشاید. به این ترتیب، جامعه مدنی یک جهش انقلابی در مسیر توسعه فضاهای اجتماعی ایجاد می‌کند (سبزه‌ای، ۱۳۸۶، ۸۰).

جان راولز جامعه مدنی را به‌مثابه فرهنگ زندگی روزمره تعریف می‌کند که دارای اجزایی مانند انجمن‌ها، اتحادیه‌ها، سندیکاها، کلیساها، دانشگاه‌ها، جامعه‌های علمی و ادبی، باشگاه‌ها و تیم‌ها و غیره است. در فرهنگ روزمره گفت‌وگوها هم در درون مؤسسات گوناگون با یکدیگر است که به کسب

آموزه‌های جدید، آگاهی و توافق بر سر اصول عدالت و شناخت بیشتر افراد از یکدیگر منجر می‌شود (Rawls, 1997, 45). چارلز تیلور نیز جامعه مدنی را شامل مجموعه‌ای از اتحادیه‌های مستقل از دولت می‌داند که شهروندان را در امور مورد علاقه جمعی با یکدیگر متحد می‌کند (Taylor, 1991, 52). الکسی دوتوکویل جامعه مدنی را مجموعه‌ای از نهادهای مستقل و انجمن‌های داوطلبانه می‌داند که دولت در ایجاد آن‌ها نقشی ندارد ولی این انجمن‌ها از حمایت رسوم و نهادهای اجتماعی متناسب با دموکراسی برخوردارند (قاسمی، ۱۳۹۰، ۹۹). سعدالدین ابراهیم، جامعه‌شناس مصری، جامعه مدنی را این‌گونه تعریف می‌کند: «مجموعه‌ای از نهادهای اجتماعی غیردولتی و غیرخویشاوندی داوطلبانه که وظیفه دارند امکان مشارکت در زندگی عمومی را برای همه افراد مهیا کنند. آن‌ها به‌عنوان نهادهای واسطه بین دولت و جامعه عمل می‌کنند (سبزه‌ای، ۱۳۸۸، ۱۱۹). هابرماس مرزهای جامعه مدنی را شامل فعالیت‌های جمعی غیرخشونت‌آمیز می‌داند که بین شهروندان و دولت ایجاد می‌شود. از این‌رو جامعه مدنی حوزه مستقل، خودمختار و عمومی است که در قالبی دموکراتیک ظهور می‌یابد و اقدامات غیرعادلانه دولت را به نقد می‌کشد و حقوق افراد را در مقابل تهدیدات دولت حفظ می‌کند و مانع برقراری دیکتاتوری و استبداد در جامعه می‌شود (شویدلر، ۱۳۷۹، ۲۴). کوهن و آراتو بر این عقیده‌اند که جامعه مدنی از حکومت، اقتصاد و نظام‌های کارکردی مرزبندی شده، اما با هسته خصوصی زیست جهان پیوند خورده است. از نظر آنان جامعه مدنی با خصایصی از قبیل تنوع، عامیت، حوزه زندگی خصوصی و مشروعیت مشخص می‌شود (Calhoun et al, 2007, 395).

گروهی از جامعه‌شناسان امریکایی در سال‌های اخیر جامعه مدنی را این‌گونه تعریف نموده‌اند: «جامعه مدنی دربرگیرنده شمار زیادی از میدان‌های عمومی بالقوه خودمختار و منفک از حکومت است. فعالیت‌های کنش‌گران که در جامعه مدنی توسط انجمن‌های گوناگون تضمین شده باعث می‌شود که جامعه از غلتیدن به قالب یک توده بی‌شکل نجات یابد» (Calhoun et al, 2007, 394).

به نظر دکتر حسین بشیریه، «جامعه مدنی در مقابل دولت، به حوزه‌ای از روابط اجتماعی اطلاق می‌شود که فارغ از دخالت قدرت سیاسی است و مجموعه‌ای از نهادها، مؤسسات، انجمن‌ها، تشکل‌های خصوص و مدنی (غیرخصوصی) را در برمی‌گیرد (بشیریه، ۱۳۷۶، ۳۲۹). چلبی نیز جامعه مدنی را منطقه حائل بین چهار خرده نظام سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌داند و به نقش محوری انجمن‌های داوطلبانه در آن اشاره می‌نماید (چلبی، ۱۳۷۵، ۲۸۸). همچنین در بازتعریف مدرن از مفهوم جامعه مدنی،

تشکیل انجمن‌هایی خارج از کنترل دولت برای پایه‌گذاری جامعه دموکراتیک در مقابل دولت اقتدارگرا مورد تأکید قرار گرفته است (بیوتینگن، ۱۳۸۱، ۱۹۱).

به‌طور کلی جامعه مدنی و تحقق نهادهای مدنی، در مجموع تجربه عقلانی و موفق بشری است که منجر به مشارکت قانون‌مند و توسعه سیاسی-اجتماعی شده و در نتیجه، زمینه پیشرفت در حوزه اقتصاد، فرهنگ و تمدن را برای جوامع به وجود آورده است (شیانی، ۱۳۸۱، ۲۰)؛ بنابراین می‌توان جامعه مدنی را با ویژگی‌های زیر بهتر شناخت: استقلال نسبی از دولت دارد؛ با هسته زیست جهان افراد پیوند خورده است؛ در عین تکرر عرصه ظهور همگان است؛ کنش‌گران عرصه آن خود را شهروند می‌دانند نه تابع و مرید؛ مبتنی بر گفت‌وگو و خرد جمعی است؛ دربردارنده آزادی معتابه افراد در عرضه و تقاضای کالا و خدمات بدون انحصارهای دولتی است (قاسمی، ۱۳۹۰، ۱۰۰ و ۹۹).

۲- اندیشه حکومت دموکراتیک؛ جامعه مدنی و حقوق شهروندی

وقتی متفکران علوم سیاسی از شهروندی سخن می‌گویند، منظورشان نحوه دسترسی به منابع اقتصادی و سیاسی است و همین‌طور هویت در جامعه مدنی و فرهنگ شهری از دیدگاه فلسفه سیاسی، شهروندی دارای آرمانی به نام شهر خوب و متعالی است که کارکرد بهینه دموکراسی نشأت می‌گیرد. در واقع واژه سیتی‌زن (شهروندی) مبین ارتباط شهروندی با به وجود آمدن جامعه بورژوازی و به‌طور خاص مرتبط با سنت‌های جامعه مدنی است. از نظر اقتصاددانان سیاسی اسکاتلندی، مثل آدام اسمیت و آدام فریک‌سو جامعه مدنی در مقابل جامعه بربری و اولیه مطرح می‌شود (عاملی، ۱۳۸۰، ۱۷۴۹). به دیگر سخن شهروندی به‌عنوان یک پدیده اجتماعی مدرن از مؤلفه‌های اساسی و محوری نظام‌های سیاسی دموکراتیک و شاخصی کلیدی برای تحقق دموکراسی در یک جامعه مدرن است که برخوردار از حوزه عمومی و جامعه مدنی کارآمد و پویا است (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳، ۳۲). به نظر هابرماس جامعه مدنی نظامی از اجتماعات است که گفتمان ناظر بر مسائل عمومی را نهادینه می‌کند و بستری برای تحقق شهروندی ایجاد می‌نماید (Carter, 2001, 159).

در واقع حقوق شهروندی بدون در نظر گرفتن نقش دولت بی‌معناست. دولت هم نقطه قوت و هم نقطه ضعف حقوق شهروندی است. این پرسش که دموکراسی به‌عنوان نماد و نظریه‌ای در تأمین حقوق انسانی و شهروندی مردم در یک جامعه آیا بهترین تئوری ممکن است یا خیر، سال‌هاست که ذهن اندیشمندان را به خود معطوف داشته است. عمدتاً مراد از دموکراسی رژیم جمهوری است که در آن مردم صاحب

حکومت و اساس مشروعیت آن تلقی می‌شوند. علاوه بر قانونی بودن، مطابق رضایت عمومی به قدرت رسیدن، تعقیب خواسته‌های حقیقی مردم به‌عنوان نماینده عقل جمعی از شروط دیگر حکومت مشروع است. هم در حدوث و هم در بقا باید حکمرانان براساس نیازهای حقیقی و عالی مردم فعالیت کنند و نه خواهش‌های نفسانی و آنی آنان. اینجاست که تعقیب حقوق انسانی و شهروندی جزء تعهدات اولیه حاکمان خواهد بود تا خود را نه تنها نماینده مردم خود بدانند بلکه نسبت به آینده آنان و سایر انسان‌ها و محیط زیست حتی در قبال نسل‌های آتی هم مسئول بدانند. لذا هر منتخب مردمی تعهدی دوگانه می‌یابد اول تعهدی ملی و شهروندی؛ دیگر تعهدی بشری و بین‌المللی (جاوید، ۱۳۹۲، ۷۵).

امروزه برداشت مثبت از اندیشه حکومت مردم‌سالار و دموکراتیک باعث شده تا نوعی اعتماد و خوش‌بینی در این رابطه به وجود آید. اگر اساس طبیعت انسانی بر این قرار گرفته باشد تا در جمع باصفا و صمیمیت در پی سعادت خویش باشد، رسیدن به این سعادت فردی ناگزیر از مجرای سعادت جمعی می‌گذرد. یک جامعه سعادت‌مند امکان بیشتری برای سعادت فردی تک‌تک اعضای خویش فراهم می‌آورد. لذا حکومت چنین جامعه‌ای نمی‌تواند فارغ از دغدغه‌های اعضای خود باشد. وجود و وجدان جمعی، خواست جمعی است که حکومت آن منجر به دموکراسی می‌شود و طرد آن برابر با ویرانی است. حکومت مردمی در درجه اول موظف به تأمین عدالت اجتماعی، توسعه امنیت و تضمین حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان است. آزادی‌هایی که در چهارچوب قانون طبیعت و قانون مدنی به رسمیت شناخته شده‌اند (جاوید، ۱۳۹۲، ۷۷). از سویی دیگر شهروندان نیز در قبال حکومت مسئولیت‌ها و تکالیفی دارند. همچنان‌که هانتینگتون معتقد است، جهت‌گیری‌های هنجاری شهروندان پیش‌شرط تحولات دموکراتیک به شمار می‌رود. در واقع دوام و قوام دموکراسی به وجود شهروندان دموکراتیک یا متمایل به آرمان‌های دموکراتیک وابسته است (موحد و دلبری، ۱۳۸۳، ۱۳۷).

باید اذعان نمود که بعضی از مؤلفه‌های حقوق بشری را حتی نظام‌های استبدادی نیز می‌توانند رعایت کنند؛ ولی حقوق شهروندی فقط در چهارچوب یک نظام دموکراتیک به دست می‌آید. همچنین روشن است که نمی‌توان بدون وجود جامعه مدنی سخن از حقوق شهروندی به میان آورد. در واقع جامعه مدنی بستری است که شهروند پویا در آن برای تحقق حق تعیین سرنوشت خود و سایر همگان به‌طور مسئولانه مشارکت می‌کند. جامعه مدنی در واقع شامل تمامی عناصر سازمان‌یافته غیرحکومتی در زندگی اجتماعی است و اشاره به موجودیتی دارد که هم از وصف سازمان‌یافتگی برخوردار است و هم سازمان خود را

مدیون حکومت نیست؛ بلکه در بطن خود جامعه و مردم نهادینه می‌شود؛ بنابراین در چنین فضایی است که شهروندی معنا و مفهوم می‌یابد. جامعه مدنی در واقع یک فضای عمومی و مشارکتی را فراهم می‌آورد که در آن شهروندان بتوانند آزادانه در امور عمومی مباحثه کنند، عقاید خود را به سمع حاکمان برسانند و در تصمیم‌سازی‌ها و اجرای تصمیمات دخالت کنند (بیات کمیتیکی و همکاران، ۱۳۹۷، ۲۴) زیرا هدف از ایجاد جامعه مدنی خلق فضای مشارکتی است که در آن انسان اجتماعی شده و بتواند فرهنگ‌پذیر پرورش یابد و به کمال برسد (سبزه‌ای، ۱۳۹۳، ۲۰۶).

به نظر مارشال تحقق کامل شهروندی مستلزم وجود یک دولت رفاه لیبرال دموکراتیک است. دولت رفاه با اعطای حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی برای همگان این را تضمین می‌کند که هر عضوی مانند دیگر افراد احساس عضویت کامل کند و بتواند در زندگی اجتماعی مشارکت کامل داشته باشد و از مزایای آن نیز بهره‌مند گردد. هر جا که این حقوق رعایت نشود یا نقض گردد، افراد به حاشیه رانده می‌شوند و نمی‌توانند در امور مشارکت کنند (غفاری‌نسب، ۱۳۹۱، ۱۴۴). در نظر هابرماس (به‌طور خاص) و در اندیشه سیاسی و اجتماعی معاصر به‌طور عام این حوزه نوپدید به‌عنوان حوزه عمومی و جامعه مدنی مطرح شده است. از نظر وی دریافت حوزه عمومی و جامعه مدنی است که افراد نقش شهروندی پیدا می‌کنند و در نقش شهروندی، به‌عنوان عضو تمام جامعه خود می‌شود (شیانی، ۱۳۸۴، ۱۶۷). در جامعه مدنی تصمیم‌گیری‌ها از طریق فرایند جمعی و مشارکت فعالانه شهروندان در قالب نهادها، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی صورت می‌گیرد. کار این نهادها این است که با ایجاد زمینه مشارکت، آگاهی افراد را افزایش دهند (شارع‌پور و شعبانی، ۱۳۹۵، ۳۵). همچنین از نکات بسیار مهم در این خصوص، ایجاد نهادهای مدنی توسط خود مردم است. هابرماس در این زمینه بر این اعتقاد است که نهادهای آزادی مدنی در صورتی ارزشمند هستند که مردم خود آن‌ها را تأسیس کرده و تشکیل دهند (Habermas, 1992, 7). دو توکویل نیز در کتاب دموکراسی در امریکا بر این عقیده است که مشارکت در گروه‌های اجتماعی مستقل از دولت احتمالاً مهارت‌های بین اشخاص را توسعه می‌دهد، تجارب و ورزیدگی اعضای گروه می‌شود، به گسترش وسعت دید آن‌ها کمک و تساهل، اعتماد به دیگران و مشارکت دموکراتیک سودمند را تشویق می‌کند. همچنین جامعه مدنی فعال، فضایی را برای توسعه مهارت‌های سیاسی فراهم می‌کند و گروه‌های گوناگون ممکن است به‌عنوان عاملان تنظیم منافع در درون جامعه و سیاست عمل کنند. از این رهگذر هم جامعه از حیث سیاسی توسعه پیدا می‌کند و هم شرایط زندگی شهروندان جامعه بهبود می‌یابد (غفوری و جعفری، ۱۳۸۷، ۲۱۹).

بنابراین شهروندی و جامعه مدنی از ابعاد ضروری یک جامعه دموکراتیک به شمار می‌آیند. در همین راستا حکومت نیز همواره مسئول حمایت از حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندانی خواهد بود که می‌خواهند در قالب یک جامعه مدنی پویا، فعالانه در امور عمومی و سرنوشت جمعی خود دخالت کنند. به همین سبب است که این حق‌های اساسی باید در سندی مورد تأکید قرار بگیرند که قوای حکومتی مجاز به دخالت در آن نباشند. این سند، همان قانون اساسی است (بیات کمیتکی و همکاران، ۱۳۹۷، ۲۴). آن چنان‌که والرز معتقد است که دولت دموکراتیک و آزاد یکی از نهادهای جامعه محسوب می‌شود که وظیفه حمایت از شهروندان و نیز تعیین مقررات، مشروط و حد و مرزهای فعالیت‌های نهادهای مدنی را دارد. از سوی دیگر، دولت نیاز دارد تا نهادهای مدنی درباره رفاه و سعادت عمومی فکر کنند و برداشت خود را از یک زندگی خوب را اعلام کنند (Walzer, 1995, 65). از این‌رو دولت در شکل‌گیری واقعی زندگی شهروندان دخالت می‌کند؛ او جزئی از شبکه کلی جامعه و محافظ آن است و از جامعه مدنی تأثیر می‌پذیرد (سبزه‌ای، ۱۳۹۳، ۲۰۷). به قول ارنست گلنر: «بدون جامعه مدنی، دموکراسی بی‌دموکراسی». به عبارتی جامعه مدنی کار وزنه تعادل در برابر قدرت دولت و حفاظت از افراد در مقابل آن قدرت را انجام می‌دهد (غفوری و جعفری، ۱۳۸۷، ۲۲۲). به عبارت دیگر باید اذعان نمود که اساس جامعه مدنی بر محور نهادهای اجتماعی نظام شهروندی شکل گرفته است، از این‌رو شالوده‌های اصلی جامعه مدنی، به‌مثابه نظام سیاسی و اجتماعی، را نهادهای شهروندی مثل نهاد قانون‌گذاری، نهاد نظام حاکمیت سیاسی مردم بر مردم در قالب نظام‌های دموکراسی می‌سازد (عاملی، ۱۳۸۰، ۱۶۸).

لذا تحقق حقوق شهروندی و دستیابی کامل به آن منوط به وجود حکومت دموکراتیک و مردم‌سالار با تأکید بر محوریت جامعه مدنی است. در واقع در مسیر تلاش برای تحقق زندگی مطلوب، جامعه مدنی ضامن اجرایی استیفای حقوق شهروندی است. ایجاد مشارکت اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی که لازمه تحقق شهروندی است جز در بستر جامعه مدنی که شامل گسترش رسانه‌ها و مطبوعات، تشکل‌های غیردولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد، احزاب، اتحادیه‌ها و گروه‌های مختلف صنفی است، محقق نخواهد شد.

به بیانی بهتر، جامعه مدنی عبارت است از: ساحتی از زندگی اجتماعی افراد که از سوی قانون حفاظت می‌شود و در آن هر کس می‌تواند فارغ از هر ترس و بیمی، اراده آزاد و قدرت تشخیص خود را در چهارچوب قانون ملاک تصمیم‌گیری‌ها و داوری‌های خود قرار دهد (غنی‌نژاد، ۱۳۷۸، ۲۵). به دیگر سخن شهروندی یکی از ملاک‌های مهم دموکراسی به شمار می‌رود. بنا بر تجارب، در جهان معاصر

حکومت‌های دموکراتیک بهتر از سایر نظام‌های سیاسی رفاه مالی، رشد فکری و رضایت اعضای خود را برآورده می‌سازند (شیانی، ۱۳۸۱، ۱۹). به‌طور کلی تحقق حقوق شهروندی در گرو تقویت جامعه مدنی است. از این رونق‌دهای جامعه مدنی از اهمیت زیادی در این زمینه برخوردارند و رعایت حقوق شهروندی را تضمین می‌کنند.

عناصر و مؤلفه‌های مهم جامعه مدنی که از بایسته‌های لازم در تحقق حقوق شهروندی هستند عبارتند از:

۱-۲- کثرت‌گرایی (پلورالیسم)

مهم‌ترین ویژگی جامعه مدنی کثرت‌گرایی یا چندگرایی عبارت است از سازمان‌دهی پیکر سیاسی یک کشور به گونه‌ای که هر خانواده فکری و عقیدتی هم امکان و وسایل حراست از ارزش‌های خود را بیابد و هم به حقوق خود نائل آید و زمینه‌های لازم برای مشارکت فعال اعضای آن در صحنه‌های سیاسی فراهم شود (بیرو، ۱۳۸۰، ۲۶۹). کثرت‌گرایی نتیجه بلافصل آزادی‌های انسانی در پرتو اندیشه‌های مدرن است که خود منجر به بسط و توسعه آزادی می‌شود. اساساً ظهور و گسترش جامعه مدنی با کثرت‌گرایی سیاسی و تنوع اجتماعی معادل گشته و نهادهای جامعه مدنی فقط هنگامی رخصت بروز یافته‌اند که اصل گوناگونی و تکثرگرایی از جانب دولت و جامعه پذیرفته شده باشد. به عقیده پل ریکور (فیلسوف معاصر فرانسوی)، کثرت‌گرایی به توافق تعارضی می‌انجامد که حاصل بلاواسطه برخورد‌های فکری و تجربی میان صور گوناگون عقاید در فضای عمومی دموکراسی است. این تساهل و تسامح نسبت به کثرت و تنوع عقاید به نوبه خود سبب پیشرفت‌های فکری جامعه خواهد گردید. در واقع جامعه مدنی خود محصول رشد اندیشه و تعقل جمعی است (حبیبی، ۱۳۷۹، ۲۷).

۲-۲- فردباوری

باید اذعان نمود که فردباوری از زاویه دید و اهمیتی که در جامعه مدنی به برابری حقوق انسان‌ها و حق فردی انسان داده می‌شود، بازشناخته می‌شود. امری که در نهایت منجر به مشارکت همه افراد جامعه در تمامی شئون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیره خواهد گردید. به واقع «معنای فلسفی فردگرایی این است که حقیقت انسان در فردیت او متجلی می‌شود و ارزش‌های نهایی بشری به فرد فرد انسان‌ها بازمی‌گردد، به‌رغم اینکه انسان موجودی اجتماعی است و تنها در جمع می‌تواند زندگی کند اما هدف از زندگی، سعادت فردی انسان‌هاست و نه موجودی اعتباری به نام جمع یا جامعه، زیرا جامعه در حقیقت چیزی جز مجموعه‌ای از افراد

یا روابط میان آن‌ها نیست.» جامعه مدنی نیز جامعه‌ای است که در آن حوزه اقتدار فردی مشخص شده و فرد موجودی است که دارای انتخاب است، زیرا دفاع از حقوق فردی و تأکید بر آن منشاء اصلی آزادی عقیده و مشروعیت تکثر فکری و سیاسی است، اما در عین حال هدف از زندگی را صرفاً سعادت فردی نمی‌داند و جمع و جامعه را نیز دارای هویتی مستقل از تک‌تک افراد به وجود آورنده آن می‌شناسد. به دیگر سخن اگرچه اعتقاد بر این است که جز در سایه اعتقاد به فرد و ارزش قائل شدن به حقوق وی جامعه مدنی حاصل نمی‌شود و زندگی اجتماعی و روابط اجتماعی مدنی شکل نمی‌گیرد، اما بر این نیز باید باور داشت که لازم است منافع تک‌تک افراد در نهایت در همسویی با منافع کل جامعه قرار گیرد. لذا در چهارچوب یک نظام دموکراتیک به پشتوانه تجربه سیاسی، پختگی و نضج فضیلت‌های مدنی و حقوق بنیادی سیاسی، احترام به فردیت و خودسامانی، شأن و حیثیت فرد و شخصیت فرد می‌تواند با جمع‌باوری مدنی متساهل و سازگار باشد و ترکیب پرباری فراهم آورد (حبیبی، ۱۳۷۹، ۲۷).

۳-۲- قانونمندی و قانون‌گرایی

قانون‌گرایی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه‌ای مدنی است؛ یعنی جامعه‌ای که در آن دولت، افراد و عرصه عمومی همه پای‌بند قانون باشند، اما منظور از قانون، قانونی است که منافع افراد را در خود ملحوظ کرده باشد، مردم اعتقاد به بی‌طرفی آن داشته باشند و ضمانت‌اجرائی آن نیز فراهم باشد. جامعه مدنی تنها یک چهارچوب حقوقی نیست، بلکه یک واقعیت سیاسی، اقتصادی، جامعه‌شناختی، روانی، فرهنگی و حتی بازیافته در معماری و شهرسازی جامع است. در جامعه مدنی طی کنش و واکنش‌های نهاد‌های مدنی رویه‌هایی شکل می‌گیرد که بعداً تصویب شده به شکل قانون در می‌آیند. این قوانین قبلاً در زندگی اجتماعی آزموده شده و محک خورده‌اند، پس قوانین دور و خارج از جامعه نیستند، بنابراین به آن‌ها عمل خواهد شد (حبیبی، ۱۳۷۹، ۲۸).

۴-۲- مطبوعات، انتشارات و فرهنگ‌سازی

یکی دیگر از معیارها و مؤلفه‌های مهم جامعه مدنی، توسعه مطبوعات و نشریات متعدد به‌ویژه از سوی احزاب سیاسی مختلف می‌باشد که نقش به‌سزایی در توسعه فرهنگ عمومی، گسترش دانش و بالا بردن سطح آگاهی جامعه دارد. انتشار روزنامه‌ها و مجلات گوناگون از سوی احزاب سیاسی در کشور با ایجاد تعدد و تنوع مطبوعات در راستای تنویر افکار، روشنگری و پویایی جامعه نقش اساسی دارد و به فرهنگ‌سازی و

به‌ویژه تکوین و تکامل فرهنگ سیاسی در کشور کمک می‌کند. احزاب سیاسی علاوه بر انتشار نشریات حزبی و سیاسی مختلف به نشر کتاب‌هایی بعضاً به‌صورت سلسله انتشارات و به شکل تحقیق و تألیف یا ترجمه دست زدند که افزون بر جنبه آموزشی باب جدیدی در اشاعه فرهنگ عمومی و گسترش دانش‌ها و معارف دینی، تاریخی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است (آذرشب و آسوده، ۱۳۹۸، ۱۰۲).

۵-۲- ایجاد فضای گفت‌وگو

یکی از اهداف مهم دیگر جامعه مدنی، ایجاد فضای گفت‌وگو است که نه تنها جامعه مدنی فضای آن را میان شهروندان ایجاد می‌کند بلکه میان شهروندان و دولت هم ایجاد می‌کند. سازمان‌های جامعه مدنی باید همانند پلی بین شهروندان و دولت عمل کنند. سازمان‌های غیردولتی و گروه‌های ذی‌نفع می‌توانند دیدگاه‌های خود را به مجلس و شوراها انتقال دهند. باید خاطرنشان ساخت که جامعه مدنی در تنش با دولت قرار ندارد. از آنجا که جامعه مدنی مستقل از دولت است به این معنا نیست که همیشه باید منتقد و مخالف دولت باشد. در واقع این جامعه درصدد ساخت دولتی پاسخ‌گو است؛ از این‌رو، جامعه مدنی درصدد تقویت احترام شهروندان به دولت و بالعکس و ترویج تعامل مثبت خود با آن است. جامعه مدنی نه تنها یک ناظر بلکه یک شریک حیاتی در تلاش برای دستیابی به این نوع ارتباط مثبت بین دولت دموکراتیک و شهروندان آن است (عبدالهی و بشیری موسوی، ۱۳۹۴، ۳۳).

۶-۲- نهادهای فعال مدنی

این سازمان‌ها بهترین نهادهایی هستند که می‌توانند موجبات مشارکت مردم را در جامعه فراهم آورند. امروزه ثابت شده است که تحقق توسعه اقتصادی-اجتماعی که پایدار و عادلانه باشد به‌طور فوق‌العاده‌ای پیچیده است و دانش، منابع دولت و جامعه مدنی را که شامل سازمان‌های مردم‌نهاد می‌شود، طلب می‌کند. سازمان‌های جامعه مدنی به‌عنوان بازیگران اجتماعی نقش مؤثری در طراحی راهبردهای ملی، خدمت‌رسانی، دفاع از حقوق بشر، نظارت بر دولت به‌منظور مهار فساد بزه‌کاری و آسیب‌های اجتماعی و بی‌کفایتی در مدیریت کشور دارند. به‌واقع سازمان‌های جامعه مدنی به‌عنوان نهاد واسط میان دولت و جامعه عمل می‌کنند. جامعه مدنی شامل نهادهایی نظیر سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های مذهبی، اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌های خیریه، گروه‌های اجتماعی، سازمان‌های غیرانتفاعی، رسانه‌ها و غیره است. در یک دموکراسی سالم این نهادها مکمل فرایندهای رسمی مانند رای‌دادن و کمک به شهروندان

در شکل دادن به فرهنگ، سیاست و اقتصاد ملت خود عمل می‌کنند. به‌ویژه آن که مشارکت در این گونه سازمان‌ها، منجر به توسعه ارزش‌های دموکراتیک از قبیل، ارتقاء آگاهی، آستانه تحمل، میانه‌روی، سازش و احترام به نقطه‌نظرات مخالف می‌شود که بدون دستیابی به این فرهنگ عمیق و چنین فضایی، تحقق حقوق شهروندی در جامعه امکان‌پذیر نمی‌باشد (عبداللهی و بشیری موسوی، ۱۳۹۴، ۷).

۷-۲- تحقق مشارکت

تحقق مشارکت به معنای جواز دخالت افراد و گروه‌های اجتماعی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و امکان تأثیرگذاری آن‌ها بر نظام سیاسی و سیاست‌گذاری‌های آن است (آذرشب و آسوده، ۱۳۹۸، ۹۶). امکان مشارکت گسترده افراد و گروه‌ها در کلیه عرصه‌های جامعه آخرین ویژگی جامعه مدنی است. اعتقاد به فرد و ارزش‌های وی و اعتقاد به ظهور تک‌تک اندیشه‌ها، در جامعه کثرت‌گرا امکان مشارکت تمامی شهروندان در امور جامعه را از طریق ایجاد انجمن‌ها، اتحادیه‌ها، گروه‌ها و غیره فراهم می‌آورد. جامعه عرصه فعالیت و درگیری گروه‌ها، جنبش‌ها، سازمان‌ها و مجمع‌های گوناگون است که خواست‌ها، پیوندها و برخوردهای طبقات اجتماعی را منعکس می‌کنند. شهروندان فرصت فعالیت گسترده در زمینه‌های گوناگون به‌ویژه حوزه‌های فرهنگی-اجتماعی را دارند و وجود حوزه گسترده برای فعالیت شهروندان موجب انباشت تجربه می‌شود. در چنین جامعه‌ای تصمیم‌گیری‌ها در سایه تعامل آزاد افراد، اقشار و گروه‌ها انجام شده و منافع اجتماعی گوناگون از راه مشارکت آن‌ها حاصل می‌شود. فرد با تبدیل شدن به شهروند عضو می‌تواند در گفت‌وگوها و بده‌بستان‌های اجتماعی مشارکت فعال داشته باشد (حیسی، ۱۳۷۹، ۲۹).

۸-۲- امکان تحرک اجتماعی

تحرک اجتماعی شامل هرگونه جابه‌جایی انسان در مکان، در زمان و در ساختارهای اجتماعی است. در واقع تحرک اجتماعی در هر اجتماع و جامعه‌ای نشانگر وجود پویایی آن و در هر فرد، گروه و نهادی نیز بیانگر میزان تلاش فعالیت آنان در تغییر پایگاه و موقعیت اجتماعی خود عموماً از پایگاه و موقعیت پایین‌تر به موقعیت بالاتر است (غفاری، ۱۳۹۶، ۱۸۶). به دیگر سخن، تحرک اجتماعی در واقع محصول رقابت نهادینه و مشارکت، در جامعه توسعه‌یافته از نظر سیاسی است. تحرک اجتماعی اگرچه سرانجام باعث ایجاد روند «گردش نخبگان» می‌گردد، اما اساساً به معنای امکان دستیابی افراد متعلق به لایه‌ها و اقشار اجتماعی پایین به مراتب بالاتر سیاسی و اجتماعی براساس شایستگی‌ها و کفایت‌های خود آنان است

(آذرشب و آسوده، ۱۳۹۸، ۹۶). لذا در جوامع باز به سبب وجود تشکل‌ها، انجمن‌ها و نهادهای مردمی، رقابت نهادینه شده و مشارکت به مراتب بیشتر است و افراد از همه گروه‌ها حضور دارند؛ بنابراین تحرکات اجتماعی نیز در سطح بالایی است و این امر از بایسته‌های تحقق و پیشبرد حقوق شهروندی است.

۳- مدنیت و شهروندی فعال

در دنیای کنونی مفهوم شهروندی به یکی از مفاهیم اصلی در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی بدل شده است. شهروندی فعال ناظر به شکل‌گیری اجتماعات فعال و توانمند است. این اجتماعات هنگامی که با مسائلی روبه‌رو می‌شوند، توانایی شناخت و تعریف مسائل و ارائه راه‌حل‌ها را برای آن‌ها دارند. شهروندی فعال در پی توانمندسازی افراد و اجتماعات است و فرایند مشارکت را امری فی‌نفسه ارزشمند تلقی می‌کند. از این‌رو شهروندی فعال چیزی بیش از افزایش صرف مشارکت عمومی است. شهروندی فعال، خواهان مشارکت هدفمند است؛ یعنی شهروندان برای تبدیل اجتماع و محل زندگی (جامعه) شان به مکان بهتری مشارکت نمایند. بدین معنا که مردم در فرایند تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، مشارکت فعال داشته باشند. این‌گونه شهروندی از مردم می‌خواهد که فقط خواستار حقوق شان نباشند، بلکه باید مسئولیت‌های شخصی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی گسترده‌تری را نیز بر عهده بگیرند. نظر به اینکه در قرن حاضر دولت‌ها بدون مشارکت فعال خود شهروندان، امکان حل و فصل مسائل را ندارند (غفاری‌نسب، ۱۳۹۱، ۱۵۳).

در واقع شهروند فعال، متقاضی مشارکت هدفمند است. هدف از به کار بردن این مفهوم آن است که مردم را در بهتر ساختن جامعه برای خود و اطرافیان شان درگیر کند. در حقیقت شهروندی فعال معطوف به درگیر کردن مردم در فراگرد تصمیم‌گیری است؛ مردمی که فرصت پیدا می‌کنند تا در زمینه‌های برنامه‌ریزی و انجام خدمات عمومی سخن گفته، به ارتقای نتایج و خدمات بیاندیشند؛ در واقع برای شهروندبودن در کامل‌ترین معنای آن، باید مؤثر و فعال بود. این موضوع به یک خواست درونی برمی‌گردد که درگیر شویم و هم در مباحثات سیاسی و هم در اعمال سیاسی مشارکت کنیم (پورعزت و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۷). در نهایت یک جامعه سیاسی سالم نیازمند شهروندانی فعال است. شهروندی فعال با فرد آغاز می‌شود؛ زیرا با اقدامات خود شرایط ساختاری شهروندی بازتولید شده و بهبود می‌یابد (حسین آبادی و زنگنه، ۱۳۹۶، ۱۹۳)؛ بنابراین شهروندی فعال می‌تواند به مثابه مدل جایگزین پاسخ‌گو به چالش‌های مدرن شهروندی به شمار رود. در حقیقت توجه به تنوع در زیست‌جهان‌ها، تأکید بر ارزش‌های دموکراتیک، نگاهی جامع‌تر به مشارکت،

تأکید بر شکل‌گیری احساسات فردی فراگیر و همه‌شمول، اهمیت قائل‌شدن برای جامعه اطلاعات‌محور، تأکید بر عاملیت شهروندان، چرخش نظری و عملی از رویکردهای کلاسیک شهروندی به سمت شهروندی فعال را ضروری می‌سازد (امین‌آقایی و همکاران، ۱۳۹۶، ۷).

اکنون می‌توان گفت که مفهوم حکومت جای خود را به حاکمیت داده است. در این دیدگاه، سازمان‌های غیردولتی و شهروندان خودشان به‌عنوان فاعلان منفرد برای حل مسائل جدید به شیوه نوینی به مشارکت و همکاری می‌پردازند. از این رو اگر دولت بخواهد که توانایی عمل و کارایی خود را حفظ کند، باید رابطه نوینی با حوزه مدینیت و شهروندی برقرار کند. همچنین حاکمیت به منزله توسعه شبکه‌های پیچیده و پیدایش رهیافت‌های تصمیم‌گیری از پایین به بالا تلقی می‌شود. مطمئناً تأکید نوینی که بر حاکمیت می‌شود مبتنی بر شکل‌هایی از کنترل و نظارت است که فراسوی گزینه‌های سلسله‌مراتب تصمیم‌گیری از بالا به پایین قرار می‌گیرد. به‌طور کلی کمال شهروندی در این است که شما به‌عنوان یک شهروند باید مشارکت فعال داشته باشید. مشارکت فعال هم در زمینه مسائل و مباحث سیاسی و هم در زمینه کنش اجتماعی مطرح است (امین‌آقایی و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۵۴).

به‌طور کلی آنچه بسیار مهم به نظر می‌رسد لزوم توجه به نقش مدینیت و قواعد اخلاقی جامعه مدنی است. قواعد اخلاقی جامعه مدنی برخاسته از شهروندان بالقوه فعال، همکاری آن‌ها، آمادگی‌شان برای مشارکت سیاسی، ابتکار فردی، احترام برای منافع عمومی و پذیرش مسئولیت سیاسی برای ایجاد آینده بهتر است. قواعد اخلاقی مذکور به‌طور جدی در ضمیر اخلاقی مردم جای می‌گیرد و به وسیله الزامات آن راهی برای توسعه بسیار سریع جامعه مدنی ایجاد می‌شود. اصلاح و تجدید فرهنگی-معنوی و اخلاقی کشورهای توسعه‌یافته، ایجاد جامعه مدنی را در میان آن‌ها آسان کرده است. همچنین اصلاحات دموکراتیک سیاسی-اقتصادی زمینه را برای ایجاد فرهنگ مدنی، ابتکار، جرئت، وجدان، همبستگی و اخلاق (یعنی پایه‌های اخلاق مدنی) فراهم می‌کند. اخلاق سیاسی جوامع سیاسی اقتدارگرا با ایدئولوژی سلطه حزب و دولت ایجاد شده است و اتباع خود را با تلقین به آن زیر نفوذ خود درآورده‌اند. اخلاق سیاسی جامعه مدنی از روح آزاد یک شهروند آگاه به حقوق، منافع و وظایفش برمی‌خیزد و در چهارچوب افکار سیاسی دموکراتیک عمومی عمل می‌کند (بیوتیگن، ۱۳۸۱، ۱۹۶)؛ بنابراین شهروندی فعال هنگامی تحقق می‌پذیرد که قدرت تحدید شده باشد و نظام‌های سیاسی باز شکل گرفته و افراد داوطلبانه و خودجوش در سیاست‌گذاری‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و اجرا و ارائه آن‌ها در تمامی جنبه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نقش و مشارکت فعال داشته و در واقع هم از روحیه مطالبه‌گری و هم از مسئولیت‌پذیری برخوردار باشند.

نتیجه

شهروندی از مفاهیم جدیدی است که توجه خاص و ویژه‌ای به برابری و عدالت دارد. حقوق شهروندی یک نوع قرارداد اجتماعی متقابل است که در آن یک سلسله حقوق متقابل دولت بر مردم و مردم بر دولت بیان شده است. دستیابی به آن منوط است به اینکه تمامی افراد جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی بهره‌مند گردند و همچنین دسترسی آسان نسبت به فرصت‌های برابر از حیث اقتصادی و اجتماعی داشته باشند. نکته مهم اینکه حکومت‌ها و نوع آن‌ها نقش مهمی در تحقق شهروندی دارند. لذا تحقق و دستیابی کامل به حقوق شهروندی مستلزم وجود حکومتی مردم‌سالار با تأکید بر جامعه مدنی است. به واقع، جامعه مدنی است که ضامن اجرایی استیفای حقوق شهروندی است زیرا جامعه مدنی است که به واسطه گسترش رسانه‌ها و مطبوعات، احزاب، اتحادیه‌ها، انجمن‌ها، اصناف و تشکل‌های غیردولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد، زمینه و بستر لازم برای ایجاد مشارکت اجتماعی مؤثر و تقویت سرمایه اجتماعی که لازمه تحقق حقوق شهروندی در جامعه است، را فراهم می‌نماید؛ بنابراین امروزه جوامع سنتی هیچ امکانی برای شناخت و تحقق حقوق شهروندی فراهم نمی‌آورند. به دیگر سخن، ساختارها و نظام‌های سنتی قدرت به تنهایی قادر به حل و فصل همه مسائل زندگی بشری نیستند و قطعاً بدون مشارکت فعال شهروندان این مهم امکان‌پذیر نیست. مشارکت فعال نیز نیازمند حضور شهروندان فعال و مستمر است. فعالیت شهروند فعال نیز منوط به تغییر رژیم‌های سیاسی بسته به سمت رژیم‌های سیاسی باز یا به عبارتی دموکراتیک و مردم‌سالار با محوریت جامعه مدنی است. در واقع جامعه مدنی در شناخت، تحقق و عملیاتی‌شدن حقوق شهروندی نقش مهم و محوری داراست. ضمن اینکه ایجاد جامعه مدنی نیز خود، نیازمند بسترسازی طی مدت زمانی بیش از یک یا دو دهه است.

تعارض منافع

تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

منابع

فارسی

- آذرشب، محمدتقی و آسوده، رضا، ۱۳۹۸، جایگاه جامعه مدنی در توسعه سیاسی، **فصلنامه راهبرد سیاسی**، شماره ۸
- آشوری، داریوش، ۱۳۸۱، **دانشنامه سیاسی**، چاپ هشتم، تهران، نشر مروارید.

- اذانی، مهری؛ حاتمی، مجتبی؛ حاتمی، حسین، ۱۳۹۰، تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر یزد، **فصلنامه برنامه‌ریزی فضایی**، شماره ۱.
- امین‌آقایی، مهرناز؛ زاهدی، محمدجواد؛ شیانی، ملیحه، ۱۳۹۶، بررسی ابعاد و تحلیل شهروندی فعال، **مجله جامعه‌شناسی ایران**، شماره ۳.
- بخارایی، احمد؛ شربتیان، محمدحسن؛ احمدی، اعظم، ۱۳۹۴، تحلیل رابطه جامعه‌شناختی سبک زندگی و گرایش به حقوق شهروندی (مطالعه موردی دانشجویان پیام نور خراسان جنوبی)، **فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی**، شماره ۴.
- بشیریه، حسین، ۱۳۷۶، جامعه مدنی، قدرت، ایدئولوژی: موانع تحقق جامعه مدنی در ایران، از کتاب: **تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی ایران (مجموعه مقالات)**، تهران، نشر سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- بشیریه، حسین، ۱۳۸۲، **آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی)**، چاپ سوم، تهران، نشر نگاه معاصر.
- بیات کیمتکی، مهناز؛ یزدان‌پناه، زین‌العابدین؛ بالوی، مهدی، ۱۳۹۷، از حقوق بشر تا حقوق شهروندی؛ از فاعلیت تا مشارکت، **فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی**، شماره ۸۲.
- بیرو، آلن، ۱۳۸۰، **فرهنگ علوم اجتماعی**، ترجمه باقر ساروخانی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات کیهان.
- بیوتینگن، یاکوسلاو، ۱۳۸۱، منش سیاسی جامعه مدنی، ترجمه عبدالعزیز مولودی، **مجله جامعه‌شناسی ایران**، شماره ۴.
- پورعزت، علی اصغر؛ قلی‌پور، آرین؛ باغستانی برزکی، حوریه، ۱۳۸۹، رابطه آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخ‌گویی و شفافیت سازمان‌ها، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، شماره ۳۸.
- پیران، پرویز، ۱۳۸۵، شهروندی از حقوق تا مسئولیت، **نشریه نامه**، شماره ۵۳.
- توسلی، غلام عباس و نجاتی حسینی، سیدمحمود، ۱۳۸۳، واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران، **فصلنامه جامعه‌شناسی ایران**، شماره ۲.
- جاوید، محمدجواد، ۱۳۹۲، نظریه نسبیت در حقوق شهروندی و حقوق طبیعی بشر، **نشریه حقوق بشر**، شماره ۱۰۲.
- چلیبی، مسعود، ۱۳۷۵، **جامعه‌شناسی نظم**، چاپ اول، تهران، نشر نی.

- حبیبی، سیدمحسن، ۱۳۷۹، جامعه مدنی و حیات شهری، **نشریه هنرهای زیبا**، شماره ۷.
- حسین آبادی، سعید و زنگنه، یعقوب، ۱۳۹۶، تأثیر آگاهی از حقوق شهری بر شهروندی فعال (مورد مطالعه: شهر سبزوار)، **فصلنامه جغرافیا و توسعه فضای شهری**، شماره ۲.
- حکیمی، سیدسینا و رضایی پور، ادریس، ۱۳۹۴، **آگاهی از حقوق شهروندی و امنیت اجتماعی در جامعه**، همایش ملی تبیین حقوق شهروندی، جهاد دانشگاهی آذربایجان غربی، ارومیه.
- دورماگن، ژان-ایو و موشار، دانیل، ۱۳۸۹، **مبانی جامعه‌شناسی سیاسی**، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، نشر آگه.
- رستگار خالد، امیر و عظیمی، هاجر، ۱۳۹۱، بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با شهروندی دموکراتیک مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تهران، **فصلنامه علوم اجتماعی**، شماره ۵۹.
- روشن، محمد؛ بیراوند، رضا؛ یاراحمدی، حسین، ۱۳۹۳، حقوق شهروندی، پیشینه و جایگاه آن در مناسبات پلیس، **فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی**، شماره ۳۰.
- ساجدی، امیر، ۱۳۹۵، حقوق بشر و حقوق شهروندی از نگاه دولت‌های اسلامی خاورمیانه با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه علوم سیاسی**، شماره ۳۶.
- سبزه‌ای، محمدتقی، ۱۳۸۶، جامعه مدنی به مثابه قرارداد اجتماعی: تحلیل مقایسه‌ای اندیشه‌های هابز، لاک و روسو، **فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست**، شماره ۲۲.
- سبزه‌ای، محمدتقی، ۱۳۸۸، بررسی سه رویکرد مطرح در جوامع عربی در مورد جامعه مدنی، **مجله جامعه‌شناسی ایران**، شماره ۳.
- سبزه‌ای، محمدتقی، ۱۳۹۳، بررسی و تحلیل جامعه‌شناسی تطبیقی رویکردهای ایرانی و غربی به جامعه مدنی، **فصلنامه علوم اجتماعی**، شماره ۶۵.
- شارع‌پور، محمود و شعبانی، مریم، ۱۳۹۵، تحلیلی جامعه‌شناسی از میزان آگاهی شهروندی شهروندان نسبت به امور شهری، **فصلنامه توسعه اجتماعی**، شماره ۳ و ۲.
- شربتیان، محمدحسن و احمدی، اعظم، ۱۳۹۳، تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت شهروندی دانشجویان دانشگاه پیام نور خراسان جنوبی، **فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی جوانان**، شماره ۱۵.
- شویلد، جلیان، ۱۳۷۹، بنیادهای جامعه مدنی در خاورمیانه، **مجموعه مقالات چشم‌اندازهای جامعه مدنی در خاورمیانه**، گردآورنده رسول افصلی، تهران، نشر علم و ادب.
- شیانی، ملیحه، ۱۳۸۱، شهروندی و رفاه اجتماعی، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، شماره ۴.

- شیانی، ملیحه، ۱۳۸۱، تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان، **فصلنامه جامعه‌شناختی ایران**، شماره ۳.
- شیانی، ملیحه، ۱۳۸۴، شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، **فصلنامه حقوق تأمین اجتماعی**، شماره ۱۸.
- شیانی، ملیحه و داوودوندی، طاهره، ۱۳۸۹، تحلیلی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان، **فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی**، شماره ۵.
- شهریاری، اکبر، ۱۳۹۶، ابهامات و موانع قانونی حقوق شهروندی، **فصلنامه قانون‌یار**، شماره ۴.
- صادق‌منش، جعفر، ۱۳۸۷، سیاست جنایی قانون‌گذار ایران در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۶۳-۶۲.
- عاملی، سعیدرضا، ۱۳۸۰، تعامل جهانی شدن، شهروندی و دین، **نشریه نامه علوم اجتماعی**، شماره ۱۸.
- عبدالهی، محسن و بشیری موسوی، مهشید، ۱۳۹۴، نقش سازمان‌های جامعه مدنی در فقرزدایی، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، شماره ۵۹.
- غفاری، زهرا، ۱۳۹۶، تأثیر سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته (ذهنی) بر تحرک اجتماعی میان نسلی (مورد مطالعه: شهروندان ۳۰ تا ۵۴ ساله شهر گرگان)، **فصلنامه توسعه اجتماعی**، شماره ۴.
- غفاری‌نسب، اسفندیار، ۱۳۹۱، نقش شهروندی فعال در بهبود کیفیت زندگی شهری، **فصلنامه مطالعات شهری**، شماره ۲.
- غفوری، محمد و جعفری، روح‌الله، ۱۳۸۷، سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دموکراسی؛ رابطه متقابل یا یک سویه، **پژوهشنامه علوم سیاسی**، شماره ۲.
- غنی‌نژاد، موسی، ۱۳۷۸، **جامعه مدنی؛ آزادی، اقتصاد و سیاست**، تهران، نشر طرح نو.
- فالکس، کیث، ۱۳۹۰، **شهروندی**، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، نشر کویر.
- فرازی، عباس، ۱۳۹۳، **حقوق شهروندی**، تهران، نشر سبز.
- فلاح‌زاده، علی محمد، ۱۳۸۶، نسبت حقوق شهروندی و حقوق بشر، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۵۸.
- فتحی واجارگاه، کورش و محبوبه عارفی، ۱۳۸۷، شناسایی و اولویت‌یابی مهارت‌های زندگی مورد نیاز بزرگسالان برای لحاظ‌کردن در برنامه‌های درسی مدارس، **فصلنامه تعلیم و تربیت**، شماره ۹۳.
- قادرزاده، امید و شبان، کاوه، ۱۳۹۷، وضعیت شهروندی در شهر سنندج و عوامل مؤثر بر آن، **فصلنامه**

برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۳۴.

- قاسمی، یارمحمد، ۱۳۹۰، رابطه دولت و جامعه مدنی در ایران از منظر جامعه‌شناسی تاریخی، **مجله علوم اجتماعی**، شماره ۲.
- کاستلز، استفان و دیویدسون، بیستر، ۱۳۸۳، **مهاجرت و شهروندی**، ترجمه فرامرز تقی‌لو، تهران، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محسنی، رضاعلی، ۱۳۸۹، ابعاد و تحلیل حقوق شهروندی؛ راه‌کارهایی برای تربیت، **فصلنامه مطالعات سیاسی**، شماره ۱۰.
- محسنی، فرید و عبداللهی، حسین، ۱۳۹۲، نقد مبانی حقوق شهروندی لیبرالی با تکیه بر جایگاه مردم در نظام حقوق اسلام، **فصلنامه دانش حقوق عمومی**، شماره ۶.
- موحد، مجید و دلبری، محمد، ۱۳۸۳، دینداری سنتی و نگرش نسبت به دموکراسی در بین دانشجویان دانشگاه شیراز، **مجله علوم اجتماعی**، شماره ۳.
- موسوی، سید یعقوب، ۱۳۹۱، **درآمدی بر بنیادهای حقوق شهروندی در شهر**، چاپ اول، تهران، نشر پژوهشگاه علوم انسانی مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- نجاتی حسینی، سید محمود، ۱۳۸۰، جامعه مدرن، شهروندی و مشارکت، **فصلنامه مدیریت شهری**، شماره ۵.
- نیازی، محسن؛ بهرامی، ولی؛ سخایی، ایوب؛ حسینی‌زاده آرانی، سید سعید، ۱۳۹۶، فراتحلیل تأثیر مشارکت اجتماعی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی، **نشریه مشارکت و توسعه اجتماعی**، شماره ۴.
- هاشمی، حامد؛ پورامین‌زاد، سعیده؛ پیمان‌طلب‌مستقیم، بابک، ۱۳۸۸، حقوق شهروندی و عدالت اجتماعی، **نشریه فرایند مدیریت و توسعه**، شماره ۷۱.
- هاشمی، سید محمد؛ همتی، مجتبی؛ اسماعیل‌زاده، حسن، ۱۳۸۸، حقوق شهروندی و توسعه شهری مشارکتی، **نشریه تحقیقات حقوقی**، شماره ۵۰.
- هزارجریبی، جعفر و امانیان، ابوالفضل، ۱۳۹۰، آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن، **نشریه مطالعات و پژوهش‌های شهری منطقه‌ای**، شماره ۹.

لاتین

- Calhoun, C. , Gerteis, J. , Moody, J. , Pfaff, s. & Virk, I, 2007, **Contemporary Sociological Theory**, Malden, Oxford and Carlton: Blackwell publishing.
- Carter, April, 2001, **The political Theory of Global Citizenship**, London: Routledge.
- Cohen, Robin & Kennedy, Paul, 2000, **Global Socioloty**, London: McMillan Press Ltd.
- Habermas, Jurgen, 1992, **Citizenship and National Identity: Some Reflection on the**

-
- Future of the Europe**, Praxis International , Vol. 12: 1-19.
- Janoksi, Thomas, 1998, **Citizenship and civil Society**, Cambridge university press.
 - Rawls, John, 1997, **Erwiderung auf Habermas, Hirsch Wilfried (Übers.) , in: philosophische Gesellschaft, zur Idee despolitischen Liberalismus**, Homburg Bad/HirschWilfried (Hg.) , Frankfurt/Main.
 - Taylor, Charles, 1991, **Die Beschworung der civil Society in: Europa und civil Society**, Krzysztof Michalski (Hrg.) Kett-Cotta Verlag, Stuttgart.
 - Walzer Michael, 1995, **Was heißtzivilgesellschaft? in: Bürgergesellschaft, Recht und Demokratie**, von Brink Bert (Hrg.) , SuhrkampVerlag Frankfurt/Main.

Legal Civilization

No.10-Spring 2022

- Civil liability of the Official expert of the Judiciary in Iranian and French Law with Emphasis on Judicial Procedure - **Hasan Badini, Sepideh Razi, Mohamad Mehdi-pour**
- Saadi Shirazi's Compatibilities with the Teachings of Modern Public Law **Majid Najjarzadeh Hanjani**
- Criminal Protection of the Right to the Environment **SHima Naderi, Majid Motallebi**
- The Role of Civic Society in Citizenship Rights' Establishment **Farzaneh Dashti, Abdolkarim SHAheydar**
- The Effects of Increasing the Capital of Joint Stock Companies in Iranian and American Law **Afshin Mojahed**
- Judicial Challenges in Combating Environmental Crimes in Iranian Criminal Law **Esmaeil Kashkoulia, Abass Sheikh-holeslami**
- International Aviation Law Approach to Liability for Corona Virus Transmission in Aviation **Yeganeh Sadat Safavi**
- Effects of Government Contracts on Iranian and British Law **Mohammad Reza Burbur**
- Mediation, Participatory Justice System, third Generation Criminal Justice System and Litigation Rights - **Sadeh Fetili, Sayyed Mohammad Salehi**
- Value and Validity of Expert Theory in Iranian and French Law **Sayyed Jafar Hashemi Bajegani, Maisam Sobhani**
- Environmental Policy Approach in Reducing Risks; Strategies and Approaches **Zahra Tallieolia, Davud Khorramdel**
- Efficient Jurisprudential Rules in the Responsibility of Wasting People's Time **Hamid Soleymani, Rahime Abbasi - Bonari**
- the Role of UN Agencies in Preventing Environmental Pollution from Waste as Global Biosecurity **Rostam Ali Akbari, - Sayyed Mehdi Mousavi**
- Fundamentals of Correcting Non-Common Contracts in the Era of Legislation by Relying on Religious Rerms and Generalities **Sayyed Alireza Amin**
- New Reproductive-Biological Technologies and Child Rights: An Introduction to the Future of Childhood in Iran - **Maryam SHA'ban**
- Pathology of Determining the Punishment in Family Crimes in Fifth Book of the Islamic Penal Code (Tazirat) Approved in 1996; From Explaining the Damage to Providing Solutions **Mahdi Mozafari Anari, Mohammad Amini Zadeh, Ali Arefi Maskoni**
- The Principle of Correctness in Transactions with Emphasis on the Possibility of its Flow in Legal Doubts **Maedeh - Chini Saz, Omid Mohammadi, Ghasem Shaabani**
- About the Theory of Invalidity of Preliminary Investigations in the Iranian Criminal Proceedings (According to the Code of Criminal Procedure Approved in 2014) **Masoud Fadaei Dehcheshmeh, Amir Soleimani, Homeira Taheri**
- A Reflection on the Law Governing the Contractual Obligations of the Insurance Contract in Iranian and American Law - **Farzad Karami kolmoti, Hamed Babaei**
- Investigating the Establishment of Bailment in the British and American Legal Systems and its Application to the Trust - Institution in Iranian Law **Nastaran Arzainan, Mahsasadat Nabavi**
- Criteria for Separating the Crime of Kidnapping from Similar Crimes in the Iranian Penal System **Ahmadreza - Emtehani, Javad Naderi ooj Boghzi, Ali Paidarfard**
- An Introduction to the Principles and Obstacles of Extradition in International Law **Reza Alipanah**
- Corona Virus Effects on Juvenile Delinquency with Respect to USA Law **Peyman Dolatkah Pashaki**
- Manifestations of Change in the Differential Criminal Policy of the Crimes of the Armed Forces of Iran and the United - States of America by the Method of Impunity and Decriminalization **Yasser SHakeri, Alireza Salehi, GHolam Hosein Rezaei**